

جایگاه

تشویق

و

تنبيه

در تعليم و تربيت

امير هوشنگ آذردهشتي

اشاره:

تشویق و تنبیه از روزگاران پیشین، به عنوان روشهایی در تربیت، همواره مورد بحث و گفتگو و تبادل نظر علمای تعلیم و تربیت بوده‌اند. معلمان نیز به شیوه‌های گوناگون در پیشبرد امر آموزش از آن بهره گرفته‌اند. در این نوشتار برآنیم تا از جنبه‌های گوناگون و در حد توان به بررسی این دو اصل بنیادی در تعلیم و تربیت بپردازیم.

وجود آدمی دارای دو جنبه خیر و شر و بعد ربانی و شیطانی است، از یک طرف کرایشش به فرشته خویی است و از جانب دیگر، هواهای نفسانی او را به سوی پستی‌ها و دنائتها سوق می‌دهند. از یک سو چنان استعدادی دارد که می‌تواند از تری به تریا صعود کند و از ملانک نیز برتر شود. و «به جایی رسد که به جز خدا نبیند» و از سوی دیگر، در اثر تربیت غلط و پیروی از خطوات شیاطین آنچنان به ورطه هولناک هوی و هوس می‌افتد که از عرش به فرش نزول می‌کند و گاهی از بهایم نیز پست‌تر می‌شود. به همین سبب، خالق

مهربان برای این موجود استثنایی هم ثواب قرار داده و هم عقاب، و پیامبری که مأمور هدایت و ارشاد اوست نیز هم بشیر است و هم نذیر. لذا در تربیت فرزند آدمی، تشویق و تنبیه دو داروی مفید و مؤثر تربیتی می‌باشند که لازم است از آنها در مواقع ضروری و به اندازه متناسب استفاده شود. علما و صاحب نظران تعلیم و تربیت نیز از دیرباز تاکنون به این مسأله مهم توجه داشته‌اند و در نظرات آنها بیانات مبسوطی در این مورد به چشم می‌خورد:

ژان ژاک روسو، صاحب کتاب «امیل» معتقد است که «تشویق و تنبیه باید به صورت طبیعی انجام شود. بدین معنی که کودک را باید آزاد گذاشت تا شخصاً نتیجه اعمال خوب و بد را ببیند و مره عقوبت را بچشد.»

هربرت اسپنسر نیز نظریه‌ای مشابه نظریه روسو ابراز داشته و می‌گوید: «برای تعلیم و تربیت اخلاقی، توسل به وسایل تلقینی، کاری عبث و بیهوده است و مجازات طبیعی برای کودک کافی است.»

ثرندایک، یکی دیگر از علمای تعلیم و تربیت، به کلی از تنبیه روی گردان شده و علت عدم توجه او به مسأله تنبیه و مجازات، تجاربی بود که نشان می‌داد انسانهای مجازات شده و افراد متخلفی که تنبیه شده‌اند، دست از تخلف و جرم خود، برنداشته‌اند. بر همین اساس، ثرنندایک در اوایل قرن نوزدهم قانون اثر را تنظیم و پیشنهاد می‌کند که خلاصه آن چنین است: «هرگاه بین محرک و پاسخ رابطه خوشایند و لذتبخشی پدید آید، آن رابطه تقویت می‌شود و به عکس، اگر بین محرک و پاسخ رابطه ناخوشایند و آزار دهنده‌ای به وجود آید، آن پاسخ خاموش می‌شود و از بین می‌رود.

در واقع مقصود ثرنندایک از قانون اثر این بود که تشویق و پاداش به یادگیری رفتار پاداش یافته، تقویت می‌بخشد در حالی که تنبیه و توبیخ سبب می‌شود که تمایل به تکرار رفتاری که تنبیه به دنبال داشته است، کاهش یابد. ازاین زمان به بعد مسأله تشویق و

تنبیه و کاربرد آن در تعلیم و تربیت، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و روانشناسان به بررسی ابعاد مختلف این دو اصل و کاربرد آنها پرداختند.

الف) جایگاه و نقش تشویق:

در روانشناسی از تشویق با عنوان «تقویت مثبت» نام برده شده و بهترین و مؤثرترین روش افزایش رفتار معرفی شده است. در تعلیم و تربیت از تشویق می‌توان برای افزایش رفتار مطلوب، یادگیری رفتار جدید و کاهش رفتارهای نامطلوب (از طریق تشویق رفتار مغایر) استفاده کرد.

تقویت مثبت، فرایندی است که در آن ارائه تقویت کننده مثبت، بعد از رفتار، منجر به نیرومند شدن آن رفتار می‌گردد.

تقویت کننده‌های مثبت، مهمترین عامل افزایش و ادامه رفتارهای ما در زندگی روزانه هستند. این تقویت کننده‌ها از جهات مختلف تقسیم‌بندی شده‌اند که یکی از مهمترین آن تقسیم بندیها به صورت زیر است:

۱- تقویت کننده‌های نخستین: این تقویت کننده‌ها ذاتاً اثر تقویتی دارند و از ویژگیهای آنها این است که نیازهای فیزیولوژیکی جاندار را ارضاء می‌کنند. مانند: آب، غذا، هوا... البته استفاده از این نوع تقویت کننده‌ها در شرایط آموزشی بسیار محدود است.

۲- تقویت کننده‌های شرطی: این تقویت کننده‌ها در اصل خاصیت تقویت‌کنندگی نداشته اما در اثر مجاورت با تقویت کننده‌های نخستین خاصیت تقویتی پیدا کرده‌اند. جایزه، نمره، ستاره، مدرک، مقام، پول و نظایر اینها تقویت کننده‌های شرطی هستند که در محیط آموزشگاه کاربرد فراوان دارند و معلمان می‌توانند از آنها برای مقاصد مختلف آموزشی بهره گیرند.

۳- تقویت کننده‌های پسته‌ای: پسته، یک تکه کاغذ (ستاره یا ژتون) یا یک مهر فلزی یا پلاستیکی است که پس از رفتار مطلوب

دانش‌آموز، به عنوان تقویت کننده به او داده می‌شود و دانش‌آموز می‌تواند آن را با غذا، شیرینی، نوشابه، انجام فعالیت‌های مختلف، جایزه و سایر تقویت کننده‌ها مبادله کند. علاوه بر اشیای ذکر شده، از علائم و ارقام نیز می‌توان به عنوان پسته تقویتی استفاده کرد. این نوع تقویت کننده نیز در امر آموزش کاربرد زیادی دارد و معلمان به وفور از آنها استفاده می‌کنند.

۴- تقویت کننده‌های اجتماعی: نمونه‌های تقویت کننده‌های اجتماعی عبارتند از: لبخند زدن، توجه کردن، تمجید کردن و نوازش کردن. این تقویت کننده‌ها اثر تقویتی نیرومندی دارند و از وسایل معمول و قابل دسترس معلمان هستند که هیچگونه خرجی هم ندارند و بهتر است در محیط آموزشگاه حداکثر استفاده را از آنها به عمل آورند.

۵- تقویت کننده‌های فعالیتی: از فعالیت‌هایی که کودکان دوست دارند انجام دهند نیز می‌توان به عنوان تقویت کننده برای فعالیت‌هایی که کمتر به آنها می‌پردازند، استفاده کرد. مثلاً به کودکی که وقت زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کند اما به انجام تکالیف درسی‌اش رغبت چندانی نشان نمی‌دهد، می‌توان گفت در صورتی می‌تواند به تماشای تلویزیون بپردازد که ابتدا تکالیفش را انجام دهد.

*** تذکرات مهم در مورد نحوه استفاده از تقویت کننده‌ها در امر تشویق:**

۱- تقویت کننده‌ها در زمانهای گوناگون و در افراد مختلف، تأثیرات متفاوت دارند. لذا برای تشویق، توجه به زمان تشویق و شخصیت فردی که می‌خواهد مورد تشویق قرار بگیرد لازم و ضروری است. به عنوان مثال: غذا برای فرد گرسنه ممکن است یک تقویت کننده مؤثر و قوی باشد اما همین تقویت کننده (غذا) برای فردی که سیر است، هیچ خاصیت تقویت‌کنندگی ندارد و یا غذایی که شخص آن را دوست ندارد، نمی‌تواند برای او خاصیت تقویت‌کنندگی داشته باشد.

۲- باید تقویت کننده را حتی الامکان بلافاصله پس از انجام رفتار مطلوب، عرضه کرد و هر چه زودتر تشویق صورت گیرد، اثر تقویت‌کنندگی آن بیشتر است. البته باید توجه داشت که قبل از انجام رفتار مطلوب، تقویت صورت نگیرد چون ممکن است سبب ایجاد یک رفتار نامطلوب گردد. مثلاً اگر برای کودکی که به واسطه نخردن عروسک گریه می‌کند بلافاصله عروسک خریده شود، کودک یاد می‌گیرد که از گریه کردن به عنوان حربه‌ای برای رسیدن به مقاصدش استفاده کند حال آنکه راه صحیح این است که به کودکی بگوئیم: اگر قول بدهی که دیگر گریه نکنی و ساکت و آرام باشی برای تو عروسک می‌خرم و در صورت ساکت شدن و گریه نکردن برای او عروسک را بخریم تا این رفتار خوب در کودک تقویت شود.

۲- هنگامی که تقویت کننده با تأخیر عرضه می‌شود، باید رفتار خوب گذشته کودک را به او یادآوری کنیم و به او بگوییم برای چه کاری به او پاداش می‌دهیم تا آن رفتار خوب او تقویت شود.

۴- کودک نباید پس از هر رفتار مطلوب انتظار گرفتن پاداش را داشته باشد و به صورت یک طلبکار برای تشویق شدن در آید:

تو بندگی چون گلبان به شرط مزد مکن که خواجه خود روش بنده پروری داند، برای این منظور، پس از تثبیت رفتار، بهتر است که از تقویت متناوب استفاده شود. بدین معنی که هر چند وقت یک بار کودک را مورد تشویق قرار دهیم و بهتر است که این تشویق به صورت غیرمنتظره و ناگهانی باشد مثلاً کودکی که دروغویی را ترک کرده و راستگو شده است، لازم نیست پس از گفتن هر سخن راست تشویق شود بلکه اگر گاهی برای راستگوییش مورد تشویق قرار گیرد، کافی است.

۵- تقویت کننده‌ای که به کار برده می‌شود باید مورد علاقه کودک یا دانش‌آموز و متناسب با سن و سال او باشد زیرا در غیر این صورت اثر تقویت‌کنندگی لازم را نخواهد داشت.

۶- باید توجه داشت که از «محبت» به عنوان تقویت کننده استفاده نکنیم، محبت باید بدون قید و شرط و بدون توجه به نوع رفتار افراد باشد. کودک باید احساس کند که همواره مورد محبت است و نباید با مشروط کردن محبت خود نسبت به فرزندان یا دانش آموزان احساس عدم اطمینان و عدم امنیت عاطفی در آنان به وجود آوریم.

۷- ارزش یک تقویت کننده باید آن قدر باشد که کودک را به انجام دادن رفتار مطلوب تشویق کند. (تشویق باید متناسب با کار انجام شده باشد).

۸- گاهی اوقات یک تقویت کننده به تنهایی تأثیر چندانی ندارد و لازم است که آن را با تقویت کننده‌های دیگر همراه کنیم مانند: تشویق‌های لفظی و اجازه بیان مطلب یا تشویق بچه‌های دیگر برای یک دانش آموز.

۹- استفاده مداوم از یک تقویت کننده، اثربخشی آن را کاهش می‌دهد. مخصوصاً در مورد تشویق‌های کلامی و تشکر کردنها. لذا باید از تقویت کننده‌های مختلف استفاده کنیم. گاهی اوقات اگر تقویت کننده‌های کلامی را در نزد دیگران به کودک بگوییم، اثربخشی خواهد داشت. مانند: گفتن کار خوب کودک به پدرش توسط مادر کودک.

۱۰- شخص تقویت کننده در اثر بخشی آن تأثیر بسزایی دارد و اگر از طرف کسی باشد که دارای مقام و منزلت بالاتر در نزد فرد باشد، اثر بخشی آن بیشتر است.

۱۱- برای تقویت رفتار، باید موضوع عمل کودک یا دانش آموز را مورد تمجید و تشویق قرار داد نه شخصیت او را. دانش آموز یا کودک باید بداند که ما، تلاش، کار و موفقیت آنها را ارج می‌نهیم. مثلاً به دانش آموزی که نقاشی زیبایی کشیده است بگوییم: نقاشی بسیار زیبایی کشیده‌ای، آفرین!

۱۲- تشویق زمانی مفید خواهد بود که رفتار فرد را تقویت کند و باعث افزایش رفتار مطلوب و پیشرفت دانش آموز شود و در غیر این صورت اثری در تقویت آن رفتار ندارد. مثلاً اگر به دانش آموزی که نقاشی

زیبایی کشیده، فقط بگوییم: آفرین! ممکن است پیشرفتی در کارش حاصل نشود بلکه باید درباره آن نقاشی از او سؤال کرد و ضمن تشویق او از او بخواهیم که نقاط ضعفش را برطرف کند و در تکمیل نقاشی‌اش به او کمک کنیم و اعتماد به نفس را در او تقویت نماییم.

۱۳- گاهی ممکن است ما با تشویق نابجا، رفتار نامطلوب را در فردی تقویت کنیم مثلاً وقتی کودک آرام و مؤدبانه درخواست معقولی از والدین دارد ممکن است بدان توجه نکنند ولی وقتی با گریه و جیغ و داد همان درخواست را از آنان می‌کند، مجبور می‌شوند برای ساکت کردن او به درخواستش پاسخ دهند. بدین ترتیب کودک یاد می‌گیرد که از این پس درخواستهایش را با داد و فریاد و پرخاشگری بیان نماید.

۱۴- اگر تشویق در جمع و در حضور افراد مورد علاقه کودک یا دانش آموز تأثیر بیشتری دارد باید او را در جمع تشویق نماییم مثل: تشویق دانش آموزان ممتاز در سر صف و در حضور اولیای مدرسه و والدین آنها.

۱۵- اگر به کودک یا دانش آموزی قول دادیم که در مقابل انجام دادن کار مطلوبی و یا انجام ندادن کار ناشایستی او را تشویق خواهیم کرد، حتماً بلافاصله پس از انجام کار مطلوب و یا ترک کار نامطلوب از طرف کودک، به قول خود عمل کنیم و تشویق را انجام دهیم در غیر این صورت کودک یا دانش آموز اعتماد خود را نسبت به ما از دست می‌دهد و به وعده‌ها و قولهای آینده ما اعتنا و التفاتی نخواهد کرد.

انواع تنبیه در نظام تربیتی اسلام

در نظام تربیتی اسلام، دو نوع تنبیه مطرح شده است: ۱- تنبیه غیر بدنی ۲- تنبیه بدنی. نکته‌ای که در اینجا باید مورد تأکید قرار داد این است که اسلام همواره تنبیه را به عنوان آخرین حرفه و روش مطرح نموده است که بعد از اجرای همه روشها و به نتیجه نرسیدن آنها، اعمال می‌شود و در

استفاده از تنبیه نیز، همواره تنبیه را به عنوان آخرین حرفه و روش مطرح نموده است که بعد از اجرای همه روشها و به نتیجه نرسیدن آنها، اعمال می‌شود و در استفاده از تنبیه نیز، همواره تنبیه غیر بدنی را بر تنبیه بدنی ترجیح داده است یعنی اگر تمام روشهای تغییر رفتار را به کار بردیم و به نتیجه نرسیدیم و ناچار شدیم از تنبیه استفاده کنیم، ابتدا باید از روشهای غیربدنی استفاده کرد و در آخرین مرحله، باید به تنبیه بدنی متوسل شد، آن هم با رعایت شرایط و حدود معین شده در اسلام. در مورد تنبیه غیربدنی و روشهای آن در کتاب مختلف روشهای متفاوتی ذکر گردیده است که قبلاً به برخی از آنها به طور فهرست وار اشاره می‌نماییم.

- ۱- آگاهی همراه با کتابه و اشاره مبهم (تذکر غیر مستقیم) ۲- تغافل (اظهار بی‌اطلاعی از خطا و پوشاندن لغزش کودک)
- ۳- تذکر و نصیحت ۴- اغماض و چشم‌پوشی از خطاهای کوچک ۵- آگاه کردن به طور واضح و روشن (تذکر مستقیم) ۶- ملامت و سرزنش ۷- چهره درهم کردن و محروم نمودن ۸- کم محلی و بی‌اعتنایی به کودک به طوری که بفهمد هدف شما از این کار چیست ۹- اخطار جدی و مهلت دادن برای تغییر رفتار ناشایست ۱۰- اخراج

در مورد تنبیه بدنی، اسلام برای کودکانی که به سن تکلیف نرسیده‌اند، مسأله «تأدیب» را مطرح نموده است. تأدیب در لغت به معنای ادب کردن و گوشمالی دادن آمده است و در اصطلاح مجازاتی سبک است که برای عمل بد طفل و نوجوانی که به سن تکلیف نرسیده است، در نظر می‌گیرند.

پیامبر اکرم (ص) در مورد کودکی که به سن ده سالگی رسیده و از نماز خواندن تخلف می‌نماید می‌فرماید: فرزندان خود را در هفت سالگی، به نماز وادارید و در صورت تخلف از آن در ده سالگی، آنان را تأدیب کنید.

البته والدین و مربیان باید همواره توجه

گاهی اوقات اگر تقویت کننده‌های کلامی را در نزد دیگران به کودک بگوییم، اثربیشتری خواهد داشت. مانند: گفتن کار خوب کودک به پدرش توسط مادر کودک.

داشته باشند که تنبیه بدنی باید به قصد تربیت فرزند باشد نه از روی خشم و غضب و همچنین باید طوری تأدیب نمایند که دیه لازم نیاید و از حد تأدیب تجاوز نکنند زیرا اگر حد تأدیب رعایت نشود، حدود خدا رعایت نشده است. چنانکه پیامبر (ص) می‌فرماید: خداوند بر هر چیزی حدی قرار داده و بر کسانی که از این حد تجاوز کنند، کیفری قرار داده است بنابراین باید تا آنجا که امکان دارد از تنبیه بدنی خودداری کرد و در صورت اضطرار نیز باید حدود آن را حتماً رعایت کرد.

نکات قابل توجه در تنبیه بدنی

۱- تنبیه نباید از روی خشم و غضب و به منظور تسکین خود باشد بلکه باید برای تربیت کودک یا دانش‌آموز و با هدف باشد.
۲- در تنبیه باید حدود را رعایت کرد. تنبیه باید متناسب با عمل خلاف باشد و طوری نباشد که حدود خدا رعایت نشود و دیه لازم گردد. حماد ابن عثمان می‌گوید: از ابو عبدالله (ع) درباره تأدیب کودک و برده سؤال کردم، فرمودند: با ملایمت، پنج تا شش تازیانه بزن. در کتاب حدود از نه‌ایه شیخ طوسی (ره) می‌گوید: کودک و برده، اگر مرتکب خطایی شدند پنج تا شش تازیانه به آنها زده می‌شود نه بیشتر. در روایتی از حضرت علی (ع)، میزان تأدیب سه ضربه تازیانه و در روایت دیگر پنج تا شش ضربه ذکر شده است (وسایل الشیعه).



اسام خمینی (ره) در تحریر الوسيله می‌فرمایند: تأدیب طفل، زیانتر از ده تازیانه مکرره است. مرحوم آیت ا. بروجردی در جامع الفروع می‌فرماید: هرگاه شخصی سیلی و مانند آن بر روی کسی بزند، به قسمی که روی او سرخ شود، باید یک مثقال ونیم شرعی طلا بدهد و اگر سبز شود سه مثقال و اگر سیاه شود شش مثقال شرعی طلا باید بدهد و اگر این اثرات در بدن (غیر از صورت) ظاهر شود، نصف مقادیر مذکور را باید بدهد و حتی می‌فرمایند: اگر کسی ضربتی بر روی کسی زد و سیاه شد، نمی‌تواند بگوید عوضش را بزن، بلکه باید دیه آن را بدهد و دینی است بر گردن او. باتوجه به بیانات مذکور، ملاحظه می‌گردد که رعایت حدود در تنبیه بدنی تاچه حد مشکل و دقیق است لذا باید تا آنجا که ممکن است از به کار بردن آن پرهیز کرد.

۲- تنها مریی (والدین یا معلم) مجاز به تنبیه و تأدیب می‌باشند و نباید این کار را به دیگران (فرزندان یا شاگردان دیگر) واگذار کنند زیرا سبب نزاع و اختلاف بین آنها می‌گردد.

۳- مناسبترین موضع بدن، برای اعمال تأدیب، پاها و دستها می‌باشند و از ضربه زدن به سر و صورت باید اکیداً خودداری کرد زیرا علاوه بر دیه، خطرات زیادی به دنبال دارد.

۴- اگر کودک، عادت بد خود را ترک کرد، باید تنبیه را ترک کنیم و با مهر و نوازش او را بپذیریم.

۵- در هنگام تنبیه، باید از به کار بردن حرفهای زشت و نامربوط جداً خودداری کرد و احساسات خود را مهار نماییم.

۶- شاگرد یا کودک باید بفهمد که برای چه مورد تنبیه قرار گرفته است و باید بداند که والدین یا مریی از روی دلسوزی این کار را کرده است تا درصدد انتقام بر نیاید.

۷- تنبیه در صورت ناشستن اختیار و آزادی معنی ندارد لذا اگر شاگرد در انجام کار مجبور بوده او را مورد تنبیه قرار ندهیم زیرا او تقصیری نداشته است.

۸- بعد از تنبیه و اصلاح شدن فرد، باید

کار زشت او را فراموش کنیم و دیگر در باره آن بحث نکنیم.

۹- در هنگام تنبیه، تربیت شونده را با دیگری مقایسه نکنیم و دیگری را به رخ او نکشیم زیرا ممکن است باعث حسادت و کینه او نسبت به آن فرد شود.

۱۰- در صورتی تنبیه را انجام دهیم که به ثمر بخش بودن آن اطمینان کامل داشته باشیم.

۱۱- تنبیه باید طوری باشد که موجب بروز رفتار پرخاشگرانه از طرف شاگرد نسبت به مریی مخصوصاً در حضور دیگران نشود (متناسب با روحیه مریی باشد).

۱۲- تنبیه نباید باعث بروز احساس حقارت و خرد شدن شخصیت و ایجاد عقده در فرد گردد.

۱۳- بعد از تنبیه، در صورت مشاهده اصلاح رفتار، باید کودک را تشویق و از او دلجویی کنیم.

۱۴- سعی کنیم تا حد امکان از تنبیه کردن کودک در حضور دیگران، خودداری کنیم.

معایب تنبیه بدنی

۱- آثار تنبیه مثل نتایج تشویق، قابل پیش‌بینی نیست چه بسا ممکن است تنها سبب واپس زدن موقتی رفتار گردد و حتی ممکن است رفتار نامطلوب‌تری جایگزین رفتار تنبیه شده گردد.

۲- تنبیه کننده و از محیطی که تنبیه در آن صورت می‌گیرد، می‌شود، لذا عوارض جانبی آن نامطلوب است.

۳- رویداد حاد یا بردآوری که به عنوان تنبیه به کار می‌رود، ممکن است باعث بروز رفتار پرخاشگرانه‌ای گردد که از رفتار نامطلوب اولیه نیز وخیم‌تر باشد. مانند: بی‌احترامی و یا ناسزا گفتن شخص تنبیه شده به معلم در حضور شاگردان دیگر.

اثرات سوء ناشی از تنبیه بدنی

۱- تنفر کودک از شخص تنبیه کننده و

محیط تنبیه ۲- ایجاد حس حقارت کودک و خرد شدن شخصیت او ۳- واپس زدن موقتی رفتار و ایجاد عقده‌های روانی در کودک ۴- ایجاد روحیه خشونت و پرخاشگری در کودک ۵- پی بردن کودک به ضعف و ناتوانی معلم در مهار کلاس ۶- ایجاد زعب و وحشت از محیط مدرسه در کودک ۷- برانگیختن حس انتقام‌جویی و ستیزه طلبی در کودک ۸- ایجاد روحیه اطاعت محض و تسلیم و سرسپردگی در مقابل دیگران و از بین بردن روحیه انتقادی در کودک ۹- دروغ‌گویی و بهانه‌تراشی برای فرار از تنبیه ۱۰- زورگویی و اقتدار طلبی نسبت به افراد کوچکتر از خود و ستم به زیردستان.

با توجه به مطالب مذکور، مشخص و واضح است که اثرات سوء تنبیه بدنی بیش از حسن آن است لذا از اولیا و مرییان و معلمان عزیز خواهشمندیم تا آنجا که امکان دارد از این شیوه برای تربیت کودکان و نوجوانان، این آینده‌سازان جامعه، استفاده نکنند تا ان‌شاء ا... در آینده نسلی سالم، خلاق و به دور از مشکلات و ناراحتی‌های روحی- روانی داشته باشیم.

منابع و مأخذ:

- آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی - فرخنده مفیدی (تهران دانشگاه پیام نور ۱۳۷۲)
- مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روشها و فنون تدریس) حسین شعبانی (تهران سمت ۱۳۶۹)
- تغییر دادن رفتارهای کودکان و نوجوانان ترجمه: یوسف کریمی (تهران آگاه ۱۳۶۵)
- جایگاه روشهای تنبیه در تعلیم و تربیت استاد علی فاضلی تهران فیض کاشانی (۱۳۷۰)
- تربیت و بازسازی کودکان دکتر علی قائمی تهران امیری (۱۳۹۳)
- روانشناسی پرورشی - دکتر علی اکبر سیف (تهران آگاه ۱۳۷۰)
- امیل یا آموزش و پرورش ژان ژاک روسو ترجمه منوچهر کیا (تهران دریا ۱۳۴۹)
- حقوق کیفری در اسلام، حدود و تعزیرات دکتر ابوالحسن محمدی (مرکز نشر دانشگاه تهران ۱۳۶۷)
- روشهای تغییر رفتار اسماعیل بیابانگرد مجله پیوند شماره ۱۵۷
- اسلام و تعلیم و تربیت دکتر سید محمد باقر حجی (دفتر نشر فرهنگ اسلامی ۱۳۶۷)
- آراء مرییان بزرگ مسلمان درباره تربیت کودک محمد عطاران (تهران چاپ اول ۱۳۶۶)